

فلسفه‌ی اخلاق یا طب روحانی در اسلام*

دکتر مهدی محقق

ترجمه‌ی دکتر علی محمد طرفداری**

در اسلام، در کنار اخلاقیات مذهبی که بر پایه‌ی قرآن و سنت پیامبر [ص] استوار است، نظام اخلاقی دیگری مبتنی بر فلسفه‌ی اخلاق وجود دارد که از یونان به جهان اسلام منتقل شد و دانشمندان مسلمانی مانند ابن‌سینا و رازی^۱ که هم طبیب بودند و هم فیلسوف، به بسط آن پرداختند. در سنت اسلامی، فلسفه‌ی اخلاق جزئی از فلسفه یا طب به شمار می‌رفت، زیرا فلاسفه‌ی اسلامی فلسفه‌ی اخلاقی را شاخه‌ای از حکمت علمی می‌دانستند،^{۲a} و از نظر آن‌ها طبابت به طب جسمانی و طب روحانی تقسیم می‌شد.^۳ بنابراین، رازی که هم طبیب بود و هم فیلسوف، فلسفه‌ی اخلاق را در نظر داشت و *الطّب الروحانی* را به رشته تحریر درآورد که در آن به کیفیت وجودی شر و گناه و خباثت روح و روش تشخیص آن‌ها پرداخته است. *الطّب الروحانی* برای اولین بار در سال ۱۳۱۸ ش/ ۱۹۳۹ م به وسیله‌ی پل کراوس (Paul Kraus) در *رسائل فلسفیه منتشر شد و توسط آ. ج. آربری (A. J. Arberry)* در سال ۱۳۲۹ ش/ ۱۹۵۰ م به انگلیسی ترجمه گردید.^۴ رازی *الطّب الروحانی* را به درخواست منصور بن اسحاق، حاکم ری (۲۹۶-۲۹۰ ه.ق) نوشت.^{۵a} این شخص همان کسی است که رازی کتاب *المنصوری* خود را نیز به نام او نگاشت.^{۵b} در مقدمه‌ی کتاب *الطّب الروحانی* رازی می‌نویسد که این کتاب مکمل و در موازات کتاب *المنصوری* است که هدف آن مطالعه‌ی «طب

* M. Mohaghegh, Moral philosophy or Spiritual Medicine In Islam, *Studies in History of Medicine & Science*, vd. XVI, No. 1-2, New series, 1999/2000, pp. 21-26.

** عضو هیئت علمی بنیاد دایره‌المعارف اسلامی

جسمانی» است.^۶ رازی *الطب الروحانی* را به بیست بخش تقسیم کرده است. بخش اول به برتری (اصالت) عقل اختصاص دارد. او معتقد است که عقل بزرگ‌ترین هدیه‌ی خداوند به انسان است که نباید از مقام اعلایش به درجات پست نزول کند و باید تنها راهنمای هدایت انسان باشد. اعتقاد به تفوق عقل بیش‌تر از همه باعث شد که رازی از سوی علمای الهیات اسلام و به خصوص اسماعیلیه مورد اعتراض قرار گیرد، زیرا رازی آنچه را که حکمای الهیات به تعالیم پیامبر [ص] منتسب می‌کردند، به عقل مربوط می‌دانست.^۷

بخش دوم، در باب سرکوب نفس است و خلاصه‌ای از نظریات افلاطون را ارائه می‌دهد. در این جا رازی به طرف‌داری از عقل و منطوق با شهوت (نفس) مخالفت می‌کند و خصوصیات هر یک را توصیف می‌نماید. در سراسر این کتاب هر جا به رداییلی چون عصبانیت، حرص، حسد و جز این‌ها اشاره می‌شود، رازی آن‌ها را به شهوت منتسب می‌کند و معتقد است که با عقل، انسان می‌تواند همه‌ی غرایز خود را در اختیار بگیرد و شکست دهد.

در این بخش رازی سه نوع روح افلاطونی را ذکر می‌کند: نخست عقلانی و عبادی؛ دوم تند مزاجی و حیوانی؛ و سوم نباتی، فزاینده و میلی.^۸ رازی اعتقاد دارد هر چیزی که به غرایز مربوط است، اولین روح را می‌سازد که عقلانی و الهی و حساس است و بر قدرت دو روح دیگر می‌افزاید. بنابراین، با کمک طب روحانی و جسمانی، انسان باید اعمال این سه روح را متعادل کند، به گونه‌ای که هیچ‌یک از آن‌ها به نسبت آنچه که باید باشد، کم یا زیاد نشود. مفهوم افلاطونی فوق در جمهوریت^۹، تیمائوس^{۱۰} و دیگر آثار افلاطون نیز مورد توجه قرار گرفته است.

بخش سوم کتاب جمع‌بندی مختصری در مورد سرشت اهریمنی روح است که بعداً به تفصیل درباره‌ی آن بحث می‌کند.

«در باب چگونگی کشف گناهان توسط انسان» عنوان بخش چهارم است. بنا به گفته‌ی رازی این بخش خلاصه‌ی رساله‌ای از جالینوس با همین عنوان است. به طور خلاصه، انسان خودپسند است و بنابراین نمی‌تواند گناهانش را تشخیص دهد. در نتیجه باید به دوست معتمد و عاقلی اتکا کند تا واقعیت را به

او بگوید و اشتباهاتش را به او نشان دهد. مشخصات دقیق این مرد عاقل و خصایص و شرایط او در رساله‌ی «درباره‌ی غرایض نفس» جالینوس آمده است.^{۱۱}

بخش پنجم درباره‌ی عشق جسمانی و شناخت لذت و جمع‌بندی درباره‌ی آن است. رازی معتقد است که بر اساس عشق انسان‌ها در دو گروه اصلی جای می‌گیرند. در گروه اول کسانی هستند که اهداف غایی و روح بزرگ دارند و ذاتاً به سبب حس مسئولیت‌پذیری‌ای که دارند به این بلا و مصیبت گرفتار نمی‌شوند. در گروه دوم مردان سست‌اراده و زن‌صفت و لذت‌طلب قرار می‌گیرند. آن‌ها به آسانی از این بلا و مصیبت رها نمی‌شوند. رازی می‌گوید چون فلاسفه‌ی یونانی مردانی با طبیعت خالص و ذهن هوشیار بودند، از این رو عشق (جسمانی) در بین آن‌ها چیز شایعی نبوده است، زیرا آن‌ها وقت‌شان را صرف مطالعه و دیگر هنرهای مفید می‌کردند.

بخش ششم درباره‌ی خودبینی است. رازی این خصلت را به این حقیقت مربوط می‌داند که انسان خود را از آنچه واقعاً هست بالاتر می‌داند. درمانی که رازی برای این مشکل تجویز می‌کند مشابه همان درمانی است که در بخش چهارم توضیح داده و همانا برگزیدن فرد عاقلی است که فرق خوبی و بدی را به درستی بشناسد. رازی در ادامه می‌افزاید که انسان نباید خود را از آنچه واقعاً هست بالاتر یا پایین‌تر ببیند و باید حد واقعی خود را بشناسد.

بخش هفتم در مورد حسد است که به گفته‌ی رازی نتیجه‌ی جمع‌شدن خست و طمع در نفس است. او معتقد است که علت اصلی حسدورزی این است که انسان از نفس پیروی می‌کند و عقل را کنار می‌گذارد. او می‌گوید کسی که از ضرر دیگران شاد شود و از برتری‌های آن‌ها خشمگین گردد، فرد شرووری است.

بخش هشتم در باب خشم است. در نظر رازی خشم وسیله‌ای است برای انتقام‌جویی از موجودات مضر. اما اگر این حالت به قدری زیاد شود که عقل را زایل کند، زیان آن برای فرد عصبانی از آنچه باعث عصبانیت او شده، بیش‌تر است. به عنوان مثال رازی به جالینوس اشاره می‌کند که در مورد مادرش گفته است در زمان خشم زیاد، وقتی که نمی‌توانست قفل در را باز کند، آن را گاز می‌گرفت.

رازی پس از این می‌گوید بین مردی که خشم عقلش را زایل کرده با یک زن تفاوت زیادی نیست. بخش نهم در مورد دروغ است. به گفته‌ی رازی دروغ حالت شر دیگری است که زاده‌ی نفس است و برای دروغگو حاصلی جز نگرانی، درد و حسرت به بار نمی‌آورد؛ هر چند که او استفاده از دروغ را وقتی که ممکن است جان انسانی را نجات دهد، مجاز می‌شمارد. او سپس برای توضیح این مسئله مثالی می‌آورد که یادآور داستانی از شاعر معروف، سعدی شیرازی (وفات ۶۹۰ ه.ق/۱۲۹۱ م) است و درباره‌ی پادشاهی است که وزیرش را به سبب دروغ گفتن برای نجات جان بی‌گناهی می‌ستود و وزیر دیگری را به سبب راست‌گفتنی که مردی را به پای مرگ کشاند، سرزنش می‌کرد. سعدی مثل فارسی «دروغ مصلحت‌آمیز به از راست فتنه‌انگیز» را در این رابطه آورده است.^{۱۲}

بخش‌های ده تا شانزده به ترتیب درباره‌ی موضوعات زیر هستند:

خساست، نگرانی و هیجان زیان‌آور و آسیب‌رسان، اندوه، حرص، شرب خمر، مقاربت جنسی، شیفتگی بیش از حد و افراط و تفریط. در این جا به تفصیل به این بخش‌ها نمی‌پردازیم و کافی است بگوییم که رازی حالات فوق و مثلاً خست و حرص را گناه می‌داند. برای سایر آن حالات همانند نوشیدن شراب و نزدیکی، او به اعتدال توصیه می‌کند. اگر در موضوعی که او توصیه به اعتدال می‌کند افراط یا حتی تفریط شود، فرد مرتکب گناه شده است.

بخش هفدهم، در مورد درآمد و دخل و خرج است. نظر رازی درباره‌ی درآمد این است که باید با خرج و پس‌انداز برابر باشد. این نظر توجه فلاسفه اسلامی را به خود جلب کرده است. برای مثال، ابوالحسن عامری (وفات ۳۸۱ ه.ق/۹۹۱ م) در آثارش فقط یک‌بار به نظرات رازی اشاره می‌کند و آن زمانی است که در این باب بحث می‌نماید.^{۱۳} رازی در ماهیت درآمد و کسب، بر میانه‌روی تأکید دارد و زیاده‌روی و نقصان را رد می‌کند. زیرا اولی به کار بی‌وقفه می‌انجامد و دومی باعث فرومایگی و تنگدستی می‌گردد و در مورد پس‌انداز کردن که کنار گذاشتن مقدار مشخصی پول برای مواقع ضروری است، او مجدداً به اعتدال توصیه می‌کند.

رازی مکرراً از مفهوم اعتدال استفاده می‌کند و همان‌طور که قبلاً اشاره شد، مشخص می‌کند که هدف طب جسمانی و روحانی هر دو، متعادل کردن سه روح مختلف از طریق اعتدال است.

بخش هجدهم درباره‌ی طلب جاه و مقام دنیوی است. رازی این بخش را بر پایه‌ی آنچه قبلاً در مورد عقل و نفس و لذت و حرص گفته است، بیان می‌کند. او می‌گوید نفس برای کسب جاه و مقام دنیوی انسان را به رنجی بسیار بیش‌تر از لذت حاصله می‌اندازد. به علاوه وقتی که موقعیت مطلوب حاصل می‌شود، احساس شادی مربوط به آن موقعیت به سرعت فروکش می‌کند و انسان به وضع پیشین با شادی کم‌تر برمی‌گردد. پس انسان دائماً در طلب مقامات بالاتر است. جالینوس در آثارش بر این واقعیت تأکید می‌کند که انسان هرگز از وضع موجود خود راضی نیست و مدام در طلب موقعیت‌های به‌تر است.^{۱۴} در این زمینه شعر معروف سعدی شیرازی به ذهن می‌آید که می‌گوید سلطانی که بر بیش از یک اقلیم حکمرانی کند راضی نیست و اقلیم دیگری هم می‌خواهد.^{۱۵}

رازی به دنبال آن در این زمینه می‌گوید که بعضی از شهوات (نفس) در ظاهر عقلانی به نظر می‌آیند و انسان را در حالی که می‌پندارد عقل او را هدایت می‌کند، گمراه می‌نمایند. رازی سپس به طور خلاصه تفاوت تظاهرات عقلانی و نفسانی را توضیح می‌دهد و نظریه‌ی اصلی او این است که نفس انسان را کور می‌کند.

بخش نوزدهم در باب رفتار پسندیده است. به گفته‌ی رازی این راهی است که فلاسفه‌ی بزرگ آن را در زندگی دنبال می‌کنند. در بخش دوم این کتاب رازی گفته است که فلاسفه برای غلبه بر نفس و سوار شدن بر نفس مجاهدت می‌کنند.^{۱۶} همچنین او در *السیره الفلسفیه خصائص فلاسفه‌ی واقعی را برمی‌شمارد*.^{۱۷}

رازی این تعریف را پذیرفته است که فلسفه به معنی تلاش برای رسیدن به خدا در حد توان انسان است تا سعادت حاصل شود.^{۱۸}

بخش بیستم و آخر کتاب در باب ترس از مرگ است. رازی اعتقاد دارد که اگر انسان باور داشته باشد پس از مرگ به وضع به‌تری خواهد رسید، ترس از مرگ از میان می‌رود، زیرا برای کسانی که معتقدند

با مرگ، روح نیز به همراه بدن نابود می‌شود، ترس از مرگ وجود ندارد، چون چیزی برای عذاب باقی نخواهد ماند و بنابراین برای این دسته حالتی که در آن هیچ دردی نیست از حالت قبلی به‌تر است. از طرف دیگر، برای آن‌ها که به زندگی پس از مرگ اعتقاد دارند، باز هم جایی برای ترس از مرگ نیست، زیرا نیکان و پرهیزگاران مطمئن هستند که به سعادت جاودان خواهند رسید. هرچند اگر کسی در این حقیقت شک دارد باید جست‌وجو و تلاش کند تا از این شک رهایی یابد. اگر او در این کوشش شکست بخورد، خداوند او را خواهد بخشید، زیرا او از کسی چیزی فراتر از توانش نمی‌خواهد. هدف ما در این مقاله به طور خلاصه معرفی رازی در مقام فیلسوف اخلاق و نشان دادن موضع وی در قبال رفتار و خصایص انسان و در نهایت توصیه‌های وی برای رسیدن به سعادت ابدی بود.

یادداشت‌ها

۱. ابوبکر محمد بن ذکریای رازی، وفات ۳۲۰ ه.ق/۹۳۲ م.
- ۲a. ابن مسکویه، ص ۶۸.
- ۲b. ابوعلی احمد بن محمد بن یعقوب بن مسکویه (وفات ۴۲۱ ه.ق/۱۰۳۰ م.). او همچنین یکی از دانشمندان طب اسلامی و به علاوه مورخ، فیلسوف و زبان‌شناس است؛ ن.ک به سزگین، ص ۳۳۶ (فارغ‌التحصیل S.M.R.A).
۳. ابن حزم الاندلسی، ص ۷۹.
۴. رازی، ص ۲.
- ۵a. یاقوت، ج ۲، ص ۹۰۱.
- ۵b. این کتاب را گرهارد سرمونایی در حدود ۱۱۷۵م به لاتین ترجمه کرده است. گفتنی است که تعداد کمی از نسخ کتاب المنصوری در هند، در کتابخانه‌ی خدابخش (پانتا)، کتابخانه‌ی دانشگاه عثمانیه (حیدرآباد)، کتابخانه‌ی رازا (بمپور) و کتابخانه‌ی M.A (دانشگاه اسلامی علیگره) وجود دارد. برای جزئیات بیشتر ن.ک به سزگین، ص ۲۸۱-۲۸۲.
6. Kraus , p. 15.
۷. الماتیدی، ص ۱۸۴.
8. Kraus , p. 27.

9. Plato, 504 A.

10. *Ibid.*, *Timaeus*, 89E.

11. Galen , pp. 32-33.

۱۲. سعدی، ص ۱۷.

۱۳. عامری، ص ۹۲.

14. Galen , p. 62.

۱۵. سعدی، ص ۲۱.

16. Kraus , p. 26.

17. *Ibid.* , pp. 97- 111.

18. *Ibid.* , p. 108.

کتاب‌نامه:

عامری ابوالحسن، *السعادة و ايثاد في السيره الانسانيه*، تصحيح مجتبی مینوی، ویسبادن، ۱۹۵۷؛ *الاندلسی*، ابن حزم، *مراتب العلوم در رسائل ابن حزم الاندلسی*، بولاق، مطبعه العناء، بدون تاریخ.

Galen, *On the passions and errors of the soul*, trans. By Pawl w. Harkins & W. Riese, Ohio Unversity Press, Columbus, 1963.

ابن مسکویه، ابو علی احمد، *الفوز الاصحیح*، بیروت، ۱۳۱۹ ه.ق/۱۹۰۱ م. *پژوهش‌های علوم عقلی و فقهی*
Kraus, Paul, *Abi Bakr Mohammadi Zachariae Ragensis (Razis) Opera philosophica, Fragmenta quae supersunt*, Cairo, 1939. *پژوهش‌های علوم انسانی*

الماتریدی، ابومنصور، *کتاب التوحید*، نسخه‌ی Add. 3651، مجموعه‌ی دانشگاه کمبریج.

Plato, *Republic, Dialogues of Plato*, trans. By B. Jewett, Oxford, 1953.

رازی، ابوبکر محمد بن ذکریا، *طب روحانی رازی*، ترجمه‌ی آ. جی. آربری، لندن، ۱۹۵۰ م.

سعدی شیرازی، *گلستان*، تصحیح قریب، تهران، ۱۳۱۰ ه.ق/۱۹۳۱ م.

یاقوت، *معجم البلدان*، لایپزیک، ۱۸۶۷ م.